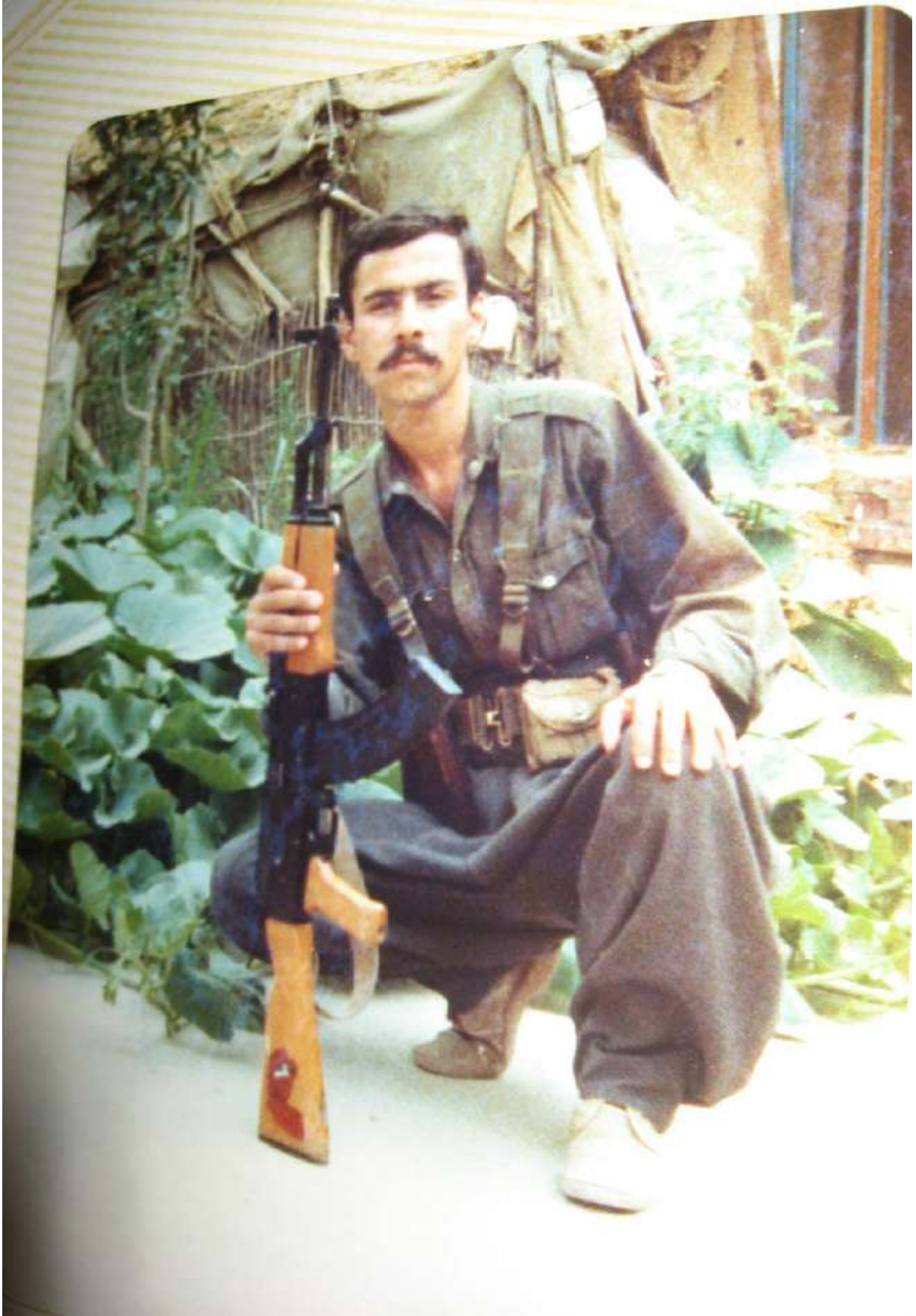


رفیق اسد جانالی



آنکون که تا لحظاتی بعد بسوی جوخه اعلام میروم. اکنون که پس از مدتی کار و فعالیت و زندگی دائمی که بگذرد دست دمیچ بوده اینجا همواره و همگوشه شیمان را آخرین لحظه مرگ ندادم دیهاریان زهنگان، به سوسیالیسم، ایمان دارم. دایان دارم روزی بسیار چیا دلبران و سران داران بر حیده خواهد شد. به رفقا و دوستان عزیزم سلام میگویم و می‌خواهم که نسیم زمسره را خوب تربیت کنید. زاه زندگی واقعی را راه زهنگان راه سوسیالیسم است. در پیش از این کاری ندارم جدا حافظی

زنده باد آزادی  
زنده باد سوسیالیسم  
مرگ بر امریکا  
مرگ بر ارتجاع

اسعد جانالی  
سب ۲۵، ۱۸، ۵۰

### ★ رفیق اسعد جانالی

رفیق اسعد جانالی در هوکان متولد شد. در ابتدای کودکی به علت فقر خانواده به دستفروشی پرداخت و در طی دوران دبستان در شهرستان همواره مجبور بود تا ضمن ادامه تحصیل با کار و کوشش مخارج خودش را تأمین کند.

با آغاز مهارزات نمودنی در سال‌های ۵۶ و ۵۷ به مهارزه انقلابی روی آورد و سپس به صف هواداران "سچلخا" پیوست. پس از شروع فعالیت سازمان در کردستان از اولین کسانی بود که با ما تماس گرفتند و به جمع کوچک هواداران سازمان پیوست. رفیق اسعد فعالیتش را پس از سازمان در هوکان آغاز کرد و از یاران صمیمی کاک فوار (رفیق ابوشاهین)

شد و پس از مدتی مسئول هواداران سازمان در کردستان گردید. اسعد در دوران فعالیت سازمانی اش در کردستان که از پائیز ۸۰ تا تابستان ۶۰ به طول انجامید، منشاء خدمات ارزنده اش بود. دورانی که به قول خودش تولدی جدید یافت و با سیطای انسانی کمونیسم آشنا تر گردید. رفیق در راه انجام مسئولیت های سازمانی اش بارها جان خویش را در بدترین شرایط به خطر می انداخت و خاطره جانفشانی هایش عزم ما را در ادامه راهی که در آن جان باخت راسخ ترمی کند. از تابستان ۶۰ تا قبل از دستگیری رفیق در تهران فعالیت می کرد و هنگامی که برای دیدن اقوام خود به میاند آب رفته بود مورد شناسایی یک جاسوس محلی قرار گرفت و در آن جا دستگیر شد. رفیق قبل از دستگیری یادداشت ها و آدرس های همراه خویش را که می توانست مورد استفاده جنایتکاران رژیم برای شناسایی دیگر رفقای سازمان قرار گیرد، از بین برد. سپس از دستگیری، سلاخان رژیم جمهوری اسلامی که از فعالیت وی در سازمان مطلع بودند وی را تحت شکنجه قرار دادند ولی رفیق لب از لب نگشود و بالاخره در تاریخ ۲۵ / ۸ / ۶۰ هنگامی که بیشتر از بیست و یک سال از عمرش نمی گذشت توسط جلادان رژیم به جوخه اعدام سپرده شد و همه این ترتیب قلب پر توان کمونیست دیگری از سازمان ما در راه سوسیالیسم از تپش باز ایستاد.

یادش گرامی باد \*